

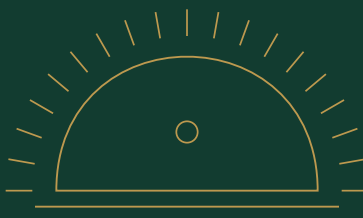
پنج فصل درباره خرد، مسئولیت و ایران آینده

تربیت هزاران چرچیل

روانشناسی، فلسفه، سیاست و اقتصاد
در مسیر گذار آرام و قانون محور

پیمان بخشایش

جراح تروما و ارتوپدی
MD, PhD, MBA



نسخه فارسی بازبینی شده | مهر ۱۴۰۵

اندیشه و مسئولیت برای ایران آینده

تربیت هزاران چرچیل

روانشناسی، فلسفه، سیاست و اقتصاد



پیمان بخشایش

جراح تروما و ارتوپدی

MD, PhD, MBA

نسخه فارسی یکپارچه و بازبینی شده

۷ اکتبر ۲۰۲۶ | مهر ۱۴۰۵

دربارهٔ این ویرایش

این نسخه بر پایهٔ پنج فصل کتاب «تربیت هزاران چرچیل» تدوین شده است. ساختار اصلی اثر حفظ شده و زبان، پیوند بندها، عنوان‌ها، شماره‌گذاری و صفحه‌آرایی یکدست شده‌اند. طرح کتاب، از جلد و صفحهٔ عنوان تا فهرست و آغاز فصل‌ها، با دو کتاب نمونهٔ نویسنده هماهنگ شده است.

بازبینی علمی بر روشن کردن مرز میان دیدگاه سیاسی نویسنده و یافتهٔ پژوهشی تمرکز دارد. پادشاهی پارلمانی و نقش ملی شاهزاده رضا پهلوی، ترجیحات سیاسی نویسنده‌اند. توضیح نظام پارلمانی، نسبت اخلاق اعتقاد و مسئولیت، و کاربرد مفاهیم روان‌شناسی با دقت بیشتر تنظیم شده‌اند. گزاره‌های مطلق و تعمیم‌های جناحی، به بیان سنجیده‌تر و قابل بررسی تبدیل شده‌اند.

این کتاب مجموعه‌ای از تأملات تحلیلی و پیشنهادهای هنجاری است؛ پژوهش تجربی تازه یا مرور نظام‌مند ادبیات به شمار نمی‌رود. منابع برحسب ارتباط با ادعاهای متن انتخاب شده‌اند. یافته‌های مربوط به کودکان یا تیم‌های کاری، با ذکر محدودیت به بحث سیاسی پیوند خورده‌اند و برای کارآمدی این الگوی تربیتی، ادعای اثبات تجربی مطرح نمی‌شود.

ارجاع‌های شماره‌دار در کنار مطالب مرتبط آمده‌اند و مشخصات منابع در پایان کتاب قرار دارند. شمارهٔ هر منبع در سراسر کتاب ثابت است. فهرست، ارجاع‌ها و پیوندهای منابع در نسخهٔ دیجیتال قابل کلیک‌اند. منابع قدیمی برای مفاهیم و تجربهٔ تاریخی به کار رفته‌اند؛ این اثر گزارش آماری تازه از وضعیت روز ایران نیست.

دربارهٔ نویسنده: پیمان بخشایش، MD، PhD، MBA، جراح تروما و ارتوپدی و نویسندهٔ آثاری دربارهٔ مسئولیت شهروندی، گفت‌وگوی سیاسی و آیندهٔ ایران است. او از پادشاهی مشروطه و سکولاردموکراسی حمایت می‌کند. مواضع و پیشنهادهای این کتاب دیدگاه نویسنده‌اند.

© پیمان بخشایش، ۲۰۲۶. نسخهٔ بازبینی‌شده: ۷ اکتبر ۲۰۲۶.

فهرست مطالب

برای رفتن به فصل‌ها، عنوان یا شماره صفحه را لمس کنید.

۱. پیشگفتار — صفحه ۵

برای ایران آینده، از آرمان تا مسئولیت

۲. روان‌شناسی تربیت هزاران چرچیل — صفحه ۷

تنظیم هیجان، تاب‌آوری و توان همکاری

۳. فلسفه هزاران چرچیل — صفحه ۱۰

آزادی، خرد عملی و اخلاق مسئولیت

۴. سیاست هزاران چرچیل — صفحه ۱۳

پادشاهی پارلمانی و معماری پاسخ‌گویی

۵. اقتصاد هزاران چرچیل — صفحه ۱۶

آزادی اقتصادی، عدالت و دولت کارآمد

۶. منابع و مآخذ — صفحه ۲۰

شماره‌های فهرست با شماره صفحه‌های PDF یکسان‌اند. شماره‌گذاری بخش‌های داخلی، از آغاز تا پایان کتاب پیوسته است.

پیشگفتار

برای ایران آینده، از آرمان تا مسئولیت

۱. ایران آینده و مسئله ظرفیت انسانی

ایران آینده برای عبوری آرام، مسئولانه و تا حد امکان مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی به سوی نظامی سکولار، دموکراتیک و قانون‌محور، به بیش از یک نام، یک شعار یا یک لحظه بسیج عمومی نیاز دارد. این مسیر به شهروندانی نیازمند است که بتوانند در وضعیت‌های دشوار بیندیشند، همکاری کنند، مسئولیت بپذیرند و میان خواسته سیاسی و پیامد عملی آن پیوند برقرار کنند. مقصود من از «تربیت هزاران چرچیل» پرورش همین ظرفیت انسانی است: زن و مرد، جوان و باتجربه، درون و بیرون کشور، که آینده ایران را مسئولیت مشترک خود بدانند.

من از نقش ملی شاهزاده رضا پهلوی در تسهیل گذار و از پادشاهی پارلمانی به عنوان انتخاب سیاسی مطلوب خود حمایت می‌کنم. این ترجیح باید با حق مردم ایران برای تعیین آزادانه شکل نظام سیاسی همراه باشد. حمایت از رهبری گذار، جایگزین رضایت عمومی، محدودیت قانونی قدرت و امکان رقابت سیاسی نمی‌شود. حکومتی که از مردم مشروعیت می‌گیرد، باید پس از استقرار نیز در برابر آنان پاسخ‌گو بماند.

موضوع این کتاب، فراهم کردن آمادگی فکری و مدنی برای چنین آینده‌ای است. سخن از پیش‌بینی قطعی زمان یا نتیجه تحولات نیست. گذار ممکن است با موانع، عقب‌گردها و وضعیت‌های پیش‌بینی نشده روبه‌رو شود. با این حال، می‌توان از امروز برای کیفیت گفت‌وگو، تصمیم‌گیری، سازمان‌دهی مدنی و بازسازی نهادها کار کرد. امید زمانی به سرمایه عمومی تبدیل می‌شود که با دانش، برنامه، اعتماد و مسئولیت همراه باشد.

۲. چرچیل به عنوان استعاره منش سیاسی

«چرچیل» در این کتاب استعاره‌ای برای پایداری در بحران، واقع‌بینی، توان سخن گفتن با جامعه و همکاری فراتر از مرزهای حزبی است. تشکیل دولت ائتلافی بریتانیا در مه ۱۹۴۰، نمونه‌ای تاریخی از گرد آوردن نیروهای متفاوت در شرایط اضطراری بود؛ چرچیل در سخنرانی خود در مجلس عوام بر مشارکت احزاب حکومت و مخالفان تأکید کرد. این نمونه، اهمیت همکاری در بحران را نشان می‌دهد، نه اینکه تمام سیاست‌ها و دیدگاه‌های او الگویی بی‌نقص برای ایران باشند. [۱]

استعاره تاریخی باید محدودیت داشته باشد. ایران امروز، بریتانیای دوران جنگ جهانی دوم نیست و مسائل آن را نمی‌توان با انتقال مکانیکی تجربه یک کشور حل کرد. آموزش شهروندی نیز قرار نیست هزاران فرد با شخصیت یکسان تولید کند. آنچه ارزش اقتباس دارد، برخی توانایی‌های قابل تمرین است: شنیدن، سنجیدن، اولویت‌گذاری، اداره اختلاف، پذیرش خطا و خدمت به خیر عمومی.

از این رو، «هزاران چرچیل» دعوت به قهرمان‌پرستی نیست. یک چهره می‌تواند الهام‌بخش باشد، اما اداره کشور به شبکه‌ای از انسان‌ها، قواعد و نهادهای قابل اعتماد وابسته است. رهبر ملی، مدیر اجرایی، نماینده پارلمان، معلم، پزشک، کارگر، کارآفرین و فعال مدنی مسئولیت‌های متفاوت دارند. بلوغ سیاسی یعنی فهم همین تفاوت نقش‌ها و پذیرش اینکه هیچ فردی به تنهایی جای همه جامعه را نمی‌گیرد.

۳. تاریخ ایران و ضرورت یادگیری انتقادی

تاریخ معاصر ایران با کشاکش میان دولت‌سازی، مشارکت سیاسی، استقلال، نوسازی و مداخله خارجی همراه بوده است. در دوره رضاشاه، گسترش دستگاه اداری و تمرکز اقتدار با محدود شدن رقابت سیاسی هم‌زمان شد. ارزیابی آن دوره باید هم دستاوردهای نوسازی و هم هزینه‌های تمرکز قدرت را در نظر بگیرد. در ۱۹۴۱، اشغال ایران به‌دست نیروهای بریتانیا و شوروی و کناره‌گیری رضاشاه، بار دیگر نقش محیط بین‌المللی را در سرنوشت کشور آشکار کرد. [۲]

در دوره محمدرضاشاه نیز توسعه زیرساخت‌ها، آموزش و اقتصاد از منازعات سیاسی و مسئله مشارکت عمومی جدا نبود. درس این تجربه‌ها را نباید به ستایش مطلق یا نفی مطلق یک دوره تقلیل داد. برای آینده، پرسش سودمند این است که چگونه می‌توان توان دولت را با حق نظارت و مشارکت شهروندان همراه کرد؛ چگونه می‌توان نظم عمومی را حفظ کرد، بدون آنکه قانون و آزادی به حاشیه رانده شوند.

در برداشت من، دفاع از تمامیت ارضی و انسجام ملی ایران باید با برابری شهروندان، احترام به تنوع فرهنگی و پذیرش اختلاف سیاسی سازگار باشد. نمی‌توان هر مخالف یا هر مطالبه محلی را تهدیدی علیه کشور دانست. داوری درباره اشخاص و گروه‌ها باید بر رفتار، برنامه و شواهد مشخص استوار باشد. تعمیم برچسب‌های دشمنی به همه جریان‌های چپ، جمهوری‌خواه یا منتقد، امکان همکاری ملی را تضعیف می‌کند.

۴. از شور سیاسی تا توان ساختن

خشم در برابر سرکوب و بی‌عدالتی قابل فهم است، اما به‌تنهایی برنامه اداره کشور را فراهم نمی‌کند. ساختن آینده به شناخت حقوق شهروندی، بودجه، اقتصاد، مدیریت، روابط خارجی و سازوکارهای تصمیم‌گیری نیاز دارد. همچنین به توان همکاری با کسانی وابسته است که در جزئیات یا حتی در ترجیح شکل حکومت با ما هم‌نظر نیستند، اما بر آزادی، برابری قانونی و حق انتخاب مردم توافق دارند.

من «بلوغ سیاسی» را در این کتاب به معنای توانایی‌های قابل تمرین به کار می‌برم، نه داوری درباره ارزش انسانی افراد. فرد ممکن است دانش فراوان داشته باشد و در گفت‌وگو شتاب‌زده عمل کند؛ یا تجربه سازمانی اندکی داشته باشد، اما شنونده‌ای دقیق و همکاری قابل اعتماد باشد. هدف آموزش، گشودن فرصت رشد است، نه ساختن طبقه‌ای که خود را ذاتاً برتر از دیگران بداند.

پنج فصل این کتاب از همین مسئله به روان‌شناسی، فلسفه، سیاست و اقتصاد می‌رسند. روان‌شناسی به تنظیم هیجان و همکاری می‌پردازد؛ فلسفه رابطه آزادی، مسئولیت و قدرت را بررسی می‌کند؛ سیاست به نهادهای پاسخ‌گو و پادشاهی پارلمانی می‌رسد؛ و اقتصاد، آزادی اقتصادی را با قانون، رقابت و حمایت اجتماعی پیوند می‌دهد. این فصل‌ها اجزای یک بحث مشترک‌اند: چگونه برای ایران، هم خواستن را بیاموزیم و هم ساختن را.

ایران از هر فرد، حزب و جناحی بزرگ‌تر است. حفظ این اصل، برای من به معنای مسئولیت در برابر زندگی و حقوق مردم نیز هست. کشور را نمی‌توان از شهروندانش جدا کرد. آینده‌ای که در آن نظم، آزادی و رفاه کنار یکدیگر قرار گیرند، با انسان‌های مسئول و نهادهای قابل اصلاح ساخته می‌شود.

پاینده ایران؛ جاوید شاه.

روان‌شناسی تربیت هزاران چرچیل

تنظیم هیجان، تاب‌آوری و توان همکاری

۵. چرا مسئله سیاسی، بُعد روان‌شناختی نیز دارد؟

در هر دوره بحران، کیفیت واکنش افراد بر کیفیت همکاری عمومی اثر می‌گذارد. ممکن است یک جمع درباره آزادی و آینده کشور آرمان‌های مشترک داشته باشد، اما در عمل با شتاب در قضاوت، حساسیت به نقد یا ناتوانی در اداره اختلاف روبه‌رو شود. در چنین وضعیتی، مسئله فقط اختلاف برنامه‌های سیاسی نیست؛ شیوه مواجهه با فشار، ابهام و ارتباط با دیگران نیز اهمیت دارد.

با این حال، روان‌شناسی به‌تنهایی توضیح‌دهنده موفقیت یا شکست جنبش‌های سیاسی نیست. سرکوب، منابع مالی، فرصت‌های نهادی، روابط بین‌المللی و ساختار سازمانی نیز اثرگذارند. نسبت دادن همه ناکامی‌ها به «نابالغ بودن» افراد، تحلیلی ناقص و گاه سرزنش‌آمیز است. این فصل بر توانایی‌هایی تمرکز می‌کند که می‌توان در کنار اصلاح سازوکارهای جمعی تمرین کرد؛ نه بر تشخیص بالینی اعضای یک جریان سیاسی.

۶. تنظیم هیجان و فاصله میان احساس و تصمیم

یکی از پایه‌های شخصیت مسئول، توان ایجاد فاصله میان دریافت یک خبر و انتخاب واکنش است. فرد می‌تواند از بی‌عدالتی خشمگین شود، اما پیش از بازنشر، اتهام یا اقدام، صحت خبر و پیامد رفتار خود را بسنجد. در چارچوب پژوهشی تنظیم هیجان، انسان‌ها می‌توانند بر زمان برون، تجربه و شیوه بیان احساسات خود اثر بگذارند. تنظیم هیجان با بی‌احساسی یا سرکوب دائمی احساسات یکسان نیست. [۳]

برای فعالیت مدنی، این تمایز اهمیت عملی دارد. درد ایران باید شنیده شود و اعتراض به بی‌عدالتی حق شهروندان است. آنچه به تمرین نیاز دارد، تبدیل احساس به تصمیمی سنجیده است: آیا این خبر قابل اعتماد است؟ آیا بیان من به روشن شدن مسئله کمک می‌کند؟ آیا واکنش فوری، امکان اصلاح خطا را از میان می‌برد؟ این پرسش‌ها احساس را حذف نمی‌کنند؛ به آن جهت و مسئولیت می‌دهند.

انضباط عاطفی همچنین مستلزم شناخت محدودیت خود است. کسی که خسته، تحت فشار یا درگیر تنش شخصی است، ممکن است به زمانی برای فاصله گرفتن از بحث نیاز داشته باشد. در یک گروه مسئول، مکث کردن و درخواست توضیح نباید نشانه بی‌وفایی تلقی شود. شجاعت سیاسی با مراقبت از خود و پرهیز از واکنش‌های آسیب‌زا سازگار است.

۷. تحمل ابهام و پرهیز از دوگانه‌های ساده

گذار سیاسی با اطلاعات ناقص و تصمیم‌های دشوار همراه است. همه تأخیرها شکست نیستند؛ هر اختلافی خیانت نیست؛ و موافقت با یک پیشنهاد، لزوماً به معنای موافقت با تمام مواضع پیشنهاددهنده نیست. کسی که فقط با دوگانه دوست و دشمن می‌اندیشد، بخشی از واقعیت را از دست می‌دهد و فرصت‌های همکاری را محدود می‌کند.

تحمل ابهام به معنای کنار گذاشتن اصول نیست. می‌توان بر تمامیت ارضی، آزادی، سکولاریسم و رأی مردم پافشاری کرد و در عین حال درباره ابزارها، زمان‌بندی و پیامدها پرسش داشت. در تصمیم جمعی، بیان میزان

اطمینان مفیدتر از قطعیت نمایشی است. جمله «با اطلاعات فعلی چنین می‌اندیشم» امکان بازیابی را باز نگه می‌دارد؛ جمله «هرکس مخالفت کند خائن است» آن را می‌بندد.

پرورش قدرت تشخیص، به مطالعه و مقایسه منابع نیز نیاز دارد. باید میان خبر، تحلیل، شایعه و پیشنهاد فرق گذاشت. تصویری کوتاه از یک رویداد ممکن است همه زمینه آن را نشان ندهد. مسئولیت شهروندی ایجاب می‌کند که پیش از حکم دادن درباره اشخاص، اطلاعات کافی گرد آوریم و احتمال خطای خود را جدی بگیریم.

۸. عزت نفس و تعلق ملی، بدون مصونیت از نقد

عزت نفس به فرد امکان می‌دهد که برای باور خود سخن بگوید، بدون آنکه هر مخالفتی را تحقیر شخصی تلقی کند. تعلق به یک گروه یا ملت نیز می‌تواند سرچشمه همبستگی باشد. مسئله زمانی پدید می‌آید که تصویر بزرگ‌نمایی شده گروه، از بررسی و نقد مصون شود و هر پرسش به‌عنوان حمله به حیثیت جمعی تعبیر گردد.

پژوهش درباره «خودشیفتگی جمعی» میان این نوع حساسیت دفاعی و نگرش مثبت به گروه تمایز می‌گذارد و در نمونه‌های مطالعه‌شده، ارتباطی با خصومت میان گروهی گزارش می‌کند. این مفهوم را نباید به ابزار تشخیص‌گذاری درباره یک ملت، حزب یا مخالف سیاسی تبدیل کرد؛ کاربرد آن در این کتاب، توجه به خطرهای مصونیت‌طلبی جمعی و دشمن‌سازی است. [۴]

انسان مسئول می‌تواند به ایران افتخار کند و هم‌زمان درباره خطاهای تاریخی یا تصمیم‌های امروز پرسش داشته باشد. می‌تواند از شاهزاده رضا پهلوی حمایت کند و همچنان انتظار پاسخ‌گویی و امکان نقد را حفظ کند. اعتماد به خود، با فروتنی در برابر شواهد همراه می‌شود؛ قدرت بیان نیز با حق شنیده شدن دیگران کامل می‌گردد.

۹. تاب‌آوری در برابر ناکامی و فرسودگی

در مسیرهای سیاسی و مدنی، ناکامی‌های مقطعی می‌توانند انگیزه و اعتماد را فرسوده کنند. تاب‌آوری در اینجا به معنای نادیده گرفتن رنج یا اصرار بر یک روش شکست‌خورده نیست؛ مقصود، توان بازگشت به عمل سنجیده، حفظ ارتباط‌های حمایتی و اصلاح برنامه پس از دشواری است. فرد و گروه باید بتوانند از ناکامی بیاموزند، نه اینکه برای حفظ تصویر خود، واقعیت آن را انکار کنند.

در ادبیات تاب‌آوری، اهمیت فرایندهای معمول حمایت و سازگاری برجسته شده است. پژوهش‌های رشد، به‌ویژه درباره کودکان در شرایط دشوار، نشان می‌دهند که تاب‌آوری صرفاً ویژگی قهرمانانی استثنایی نیست. انتقال مستقیم این یافته‌ها به کنشگری سیاسی نیازمند احتیاط است؛ با این حال، توجه به حمایت اجتماعی، یادگیری و حفظ ظرفیت‌های روزمره، برای طراحی محیطی پشتیبان راهگشاست. [۵]

از منظر این کتاب، گروهی مسئول است که همه بار را بر دوش چند نفر نگذارد، شکست را بهانه تحقیر اعضا نکند و میان پایداری و فرسودگی تمایز بگذارد. برنامه قابل ادامه، تقسیم کار روشن و پذیرش نیاز به استراحت، بخشی از انضباط جمعی‌اند. دوام فعالیت را نباید با میزان فداکاری نمایشی افراد سنجید.

۱۰. انضباط کلام و مسئولیت در گفتار

زبان می‌تواند اعتماد بسازد یا آن را از میان ببرد. تحقیر، اتهام بی‌دلیل و باز نشر شایعه، در کوتاه‌مدت هیجان ایجاد می‌کنند، اما کیفیت همکاری را کاهش می‌دهند. کسی که می‌خواهد در آینده ایران سهمی داشته باشد، باید از امروز میان نقد یک استدلال و حمله به شخصیت فرد تفاوت بگذارد. صراحت با بی‌احترامی یکی نیست.

انضباط کلام، سکوت اجباری نیز نیست. هشدار دربارهٔ فساد، خشونت یا تصمیم پرهزینه لازم است؛ اما باید با شواهد و عبارتی متناسب بیان شود. وقتی خطایی در گفتار رخ می‌دهد، اصلاح روشن آن از توجیه یا حذف پنهانی مسئولانه‌تر است. اعتبار عمومی از بی‌خطا جلوه کردن به دست نمی‌آید؛ از برخورد صادقانه با خطا نیز ساخته می‌شود.

گفت‌وگو زمانی امکان یادگیری پیدا می‌کند که اعضا بتوانند پرسش کنند و اشتباه خود را بدون ترس از تحقیر مطرح سازند. مطالعهٔ ادموندسون در تیم‌های کاری، میان امنیت روان‌شناختی و رفتار یادگیری رابطه نشان داد. این نتیجه دربارهٔ تیم‌های سازمانی است و تضمین‌کنندهٔ موفقیت سیاسی نیست؛ اما برای اندیشیدن به محیطی که در آن نقد و یادگیری ممکن باشد، الگویی مفید فراهم می‌کند. [۶]

۱۱. همکاری با وجود اختلاف

هیچ پروژهٔ ملی گسترده‌ای فقط با کسانی که در همهٔ موضوعات شبیه یکدیگر می‌اندیشند پیش نمی‌رود. همکاری نیازمند تعیین موضوع مشترک و مرزهای آن است. می‌توان برای دفاع از آزادی بیان، برابری در برابر قانون یا انتخابات آزاد همکاری کرد، بدون آنکه تفاوت‌های فلسفی، اقتصادی یا حزبی حذف شوند. توافق محدود و روشن، اغلب از ادعای وحدت کامل قابل اعتمادتر است.

توان همکاری به این معناست که فرد بتواند نظر مخالف را دقیق بازگو کند، وظیفهٔ پذیرفته‌شده را انجام دهد و نتیجهٔ یک فرایند منصفانه را بپذیرد، حتی اگر پیشنهاد خود او برگزیده نشود. در مقابل، گروه نیز باید حق ثبت مخالفت و بازبینی تصمیم را به رسمیت بشناسد. شخصیت مستقل و همکاری جمعی، می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند.

۱۲. میهن‌دوستی مسئولانه و شهروندی فعال

میهن‌دوستی مسئولانه برای من، پیوند علاقه به ایران با خدمت عملی است: مطالعه، آموزش، تولید، امداد، فعالیت مدنی، حفظ اعتبار عمومی و دفاع از حقوق شهروندان. این میهن‌دوستی، به نفرت از یک قوم، مذهب یا جریان سیاسی نیاز ندارد. اقتدار کشور زمانی ارزشمند است که امنیت و کرامت مردم را نیز تقویت کند.

شهروند فعال، فقط مصرف‌کنندهٔ خبر و تماشاگر رفتار رهبران نیست. او دربارهٔ وظیفهٔ خود می‌اندیشد و سهمی متناسب با توانش می‌پذیرد. پزشک، معلم، کارگر، پژوهشگر، روزنامه‌نگار، کارآفرین و دانشجو می‌توانند در حوزهٔ خود، فرهنگ مسئولیت را گسترش دهند. هیچ حرفه‌ای به‌خودی‌خود فضیلت سیاسی ایجاد نمی‌کند؛ معیار، کیفیت رفتار و خدمت است.

هدف «هزاران چرچیل» در این فصل، ساختن شبکه‌ای از انسان‌های قابل اعتماد است. در چنین شبکه‌ای، قدرت شنیدن، تنظیم هیجان، همکاری و پذیرش خطا به اندازهٔ توان سخن گفتن اهمیت دارند. آزادی با انسان‌های مسئول تقویت می‌شود، اما این انسان‌ها نیز به نهادهایی نیاز دارند که از حقوق آنان حمایت کنند و فرصت یادگیری و مشارکت بدهند.

فلسفه هزاران چرچیل

آزادی، خرد عملی و اخلاق مسئولیت

۱۳. فلسفه این تربیت چیست؟

فلسفه هزاران چرچیل بر این اندیشه استوار است که آینده ایران را باید با مشارکت جامعه و با نهادهایی ساخت که توان اصلاح خود را دارند. امید به یک چهره ملی می‌تواند نیروی بسیج فراهم کند، اما جای آمادگی شهروندان و قواعد اداره کشور را نمی‌گیرد. جامعه باید برای نظم پس از تغییر نیز آماده باشد: برای تصمیم‌گیری، تحمل اختلاف، حفاظت از حقوق و پذیرش مسئولیت عمومی.

این فلسفه، یک برنامه حزبی کامل یا نظریه‌ای تجربی درباره همه رفتارهای سیاسی نیست. چارچوبی هنجاری برای پیوند دادن میهن‌دوستی با خرد، آزادی با مسئولیت و قدرت با پاسخ‌گویی است. ارزش آن باید در کیفیت استدلال و پیامدهای قابل بررسی آن سنجیده شود. نام یک شخصیت تاریخی، به‌تنهایی برای اثبات درستی این چارچوب کافی نیست.

انسان مطلوب در این نگاه، کسی نیست که همواره آرام یا همواره هم‌نظر با رهبر باشد. او می‌تواند معترض، منتقد و مصمم باشد، اما می‌کوشد دلیل خود را روشن کند، شواهد را بسنجد و پیامد عمل را در نظر بگیرد. بلوغ سیاسی، یک مقام ثابت و دائمی نیست؛ تمرینی ادامه‌دار برای بهتر اندیشیدن و بهتر عمل کردن است.

۱۴. عقلانیت، احساس و تشخیص واقعیت

عقلانیت را نباید دشمن احساس دانست. احساس تعلق، امید، رنج و همدلی می‌تواند انگیزه خدمت ایجاد کند. مسئله آن است که تصمیم عمومی تنها بر شدت احساس تکیه نکند. ما باید از خود بپرسیم: کدام اطلاعات را می‌دانیم؟ کدام فرض‌ها هنوز آزموده نشده‌اند؟ چه کسانی از تصمیم سود می‌برند یا هزینه می‌پردازند؟ و اگر انتظار ما محقق نشد، چگونه مسیر را اصلاح خواهیم کرد؟

انسان واکنشی، دستور کار خود را صرفاً از تحریک بیرونی می‌گیرد؛ انسان سنجیده، می‌کوشد هدف و اولویت را حفظ کند. با این حال، هیچ‌کس به‌طور کامل از جانبداری و خطا رها نیست. به همین دلیل، اعتماد به خرد فردی باید با نقد جمعی، ثبت تصمیم و بررسی دوباره همراه شود. نظم فکری، زمانی به بلوغ می‌رسد که امکان مخالفت با خود را نیز فراهم کند.

واقع‌بینی به معنای تسلیم در برابر وضعیت موجود نیست. می‌توان برای تغییری بزرگ تلاش کرد و هم‌زمان محدودیت منابع، زمان و محیط سیاسی را شناخت. آرمان، جهت را مشخص می‌کند؛ شناخت واقعیت، انتخاب مسیر را ممکن می‌سازد. اگر میان این دو پیوند برقرار نشود، یا به خیال‌پردازی می‌رسیم یا به انفعال.

۱۵. اخلاق مسئولیت و وفاداری به اصول

در بحث ماکس وبر درباره سیاست، «اخلاق اعتقاد» و «اخلاق مسئولیت» دو مسئله مهم را پیش می‌کشند: وفاداری به اصول و توجه به پیامدهای قابل پیش‌بینی عمل. وبر این دو را در پایان بحث خود مکمل نیز می‌داند. بنابراین، اخلاق مسئولیت را نباید صرفاً به موفق شدن یا مجاز شمردن هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف تقلیل داد؛ همان‌گونه که داشتن نیت خوب، فرد را از سنجش نتیجه بی‌نیاز نمی‌کند. [۷]

برای من، این تمایز در فعالیت سیاسی اهمیت ویژه دارد. دفاع از آزادی و کرامت انسان باید با پرسش از آثار سخن و رفتار همراه باشد. اگر اقدامی به خطر افتادن زندگی مردم یا سلب حقوق آنان را در پی دارد، جذابیت شعار آن کافی نیست. مسئولیت، توجه به کسانی است که ممکن است هزینه تصمیم ما را بپردازند، به ویژه وقتی خود ما دور از محل خطر زندگی می‌کنیم.

در عین حال، مسئولیت را نباید ابزار خاموش کردن اعتراض ساخت. گاه دفاع از یک اصل، با هزینه و عدم قطعیت همراه است. داوری اخلاقی باید نسبت هدف، وسیله، امکان انتخاب و پیامدها را بررسی کند. راه مسئولانه آن است که این ملاحظات آشکار شوند و تصمیم‌گیران درباره انتخاب خود پاسخ بدهند؛ نه اینکه هر هزینه‌ای با عبارت مبهم «مصلحت ملی» توجیه شود.

۱۶. میهن‌دوستی بالغ و خیر عمومی

میهن‌دوستی بالغ یعنی علاقه به ایران را به تعهد نسبت به زندگی مشترک تبدیل کنیم. حفظ تمامیت ارضی، زبان و میراث تاریخی برای من ارزشمند است؛ اما این ارزش‌ها باید با امنیت، آزادی و فرصت زندگی شایسته برای شهروندان پیوند داشته باشند. کشور فقط سرزمین و نماد نیست؛ مردمی است که در آن زندگی می‌کنند و آینده‌ای است که برای فرزندان خود می‌سازند.

خیر عمومی، همیشه با خواسته فوری یک گروه یکسان نیست. ممکن است منفعت کوتاه‌مدت یک جناح، به اعتماد عمومی یا حق مشارکت دیگران آسیب بزند. در چنین موقعیتی، مسئولیت مدنی به ما یادآوری می‌کند که قدرت امروز، مجوز تصاحب آینده نیست. هیچ جریان سیاسی نباید خود را مالک انحصاری معنای ایران بداند.

میهن‌دوستی از راه کار، آموزش، قانون، سرمایه‌گذاری، حفاظت از محیط زیست و آشتی اجتماعی نیز بیان می‌شود. خدمت روزمره ممکن است کمتر از یک سخنرانی دیده شود، اما برای کیفیت زندگی مردم اهمیت دارد. تربیت شهروندی باید این نوع مسئولیت را به رسمیت بشناسد و ارزش افراد را فقط با حضور رسانه‌ای یا شدت شعار آنان نسنجد.

۱۷. قدرت، خدمت و محدودیت

قدرت زمانی با این فلسفه سازگار است که در چارچوب قانون و برای خدمت عمومی به کار رود. کسی که مسئولیت می‌پذیرد، باید بداند حدود اختیار او چیست، چگونه بر کارش نظارت می‌شود و در چه شرایطی می‌توان او را جایگزین کرد. مشروعیت، تنها به محبوبیت یا نیت خیر وابسته نیست؛ به قواعدی وابسته است که امکان پرسش و اصلاح را حفظ کنند.

در این نگاه، تربیت افراد نیرومند بدون تربیت آنان برای پذیرش محدودیت، کافی نیست. آزمون مهم زمانی است که فرد از نفوذ برخوردار می‌شود و باید همچنان حق مخالف، استقلال نهادها و امکان بررسی تصمیم خود را بپذیرد. هرچه قدرت بیشتر باشد، ضرورت پاسخ‌گویی نیز بیشتر می‌شود. وفاداری ملی، با تبدیل اشخاص به صاحبان اختیار نامحدود سازگار نیست.

این اصل درباره رهبر گذار، پادشاه، دولت، پارلمان، مدیر اقتصادی و فعال مدنی نیز صدق می‌کند، هرچند شیوه نظارت بر هر نقش متفاوت است. احترام به یک مقام ملی نباید به تعطیل شدن نقد یا ابهام در مسئولیت‌ها بینجامد. نقش نمادین، نقش اجرایی و اختیار قانونی باید روشن و قابل فهم باشند.

۱۸. گفت‌وگو، تکرر و مرز اختلاف

ایران جامعه‌ای متکثر است و آینده آن نیز از تفاوت‌های قومی، زبانی، مذهبی، نسلی، طبقاتی و سیاسی خالی نخواهد شد. هنر گفت‌وگو، حذف این تفاوت‌ها نیست؛ یافتن قواعدی است که اجازه دهند با وجود اختلاف، زندگی و تصمیم مشترک ادامه یابد. مخالفت سیاسی را باید از تهدید، خشونت و نقض حقوق دیگران جدا کرد.

همکاری، با ساده‌لوحی یکسان نیست. می‌توان درباره رفتارهای خطرناک هوشیار بود، بدون آنکه همه منتقدان را دشمن دانست. می‌توان با یک فرد در موضوعی توافق کرد و در موضوع دیگر اختلاف داشت. این تمایزها به ما اجازه می‌دهند که هم اصول خود را حفظ کنیم و هم از انزوای فکری و قبیله‌ای فاصله بگیریم. گفت‌وگو نیازمند قواعدی عملی است: موضوع روشن، فرصت متناسب برای سخن گفتن، درخواست دلیل، ثبت توافق و امکان بیان مخالفت. این قواعد، جای محتوا را نمی‌گیرند؛ شرایط سنجش محتوا را فراهم می‌کنند. جمعی که فقط از اعضای خود اعلام وفاداری می‌خواهد، ظرفیت اندیشیدن مستقل را از دست می‌دهد.

۱۹. خودسازی و نهادسازی، در کنار یکدیگر

خودسازی در این کتاب به معنای پرورش عادت‌های قابل استفاده در زندگی عمومی است: مطالعه منظم، توجه به شواهد، شناخت محدودیت، انجام تعهد و پذیرش مسئولیت سخن. چنین عاداتی می‌توانند کیفیت مشارکت را بهتر کنند. اما نباید تصور کرد که ابتدا باید همه افراد کامل شوند و سپس نهادهای دموکراتیک را ساخت؛ این دو فرایند یکدیگر را شکل می‌دهند.

نهاد خوب، خطاهای انسان‌ها را محدود می‌کند و امکان یادگیری می‌دهد؛ انسان مسئول نیز به کارکرد و اصلاح نهاد کمک می‌کند. گزارش توسعه جهانی درباره حکمرانی نشان می‌دهد که قواعد، توزیع قدرت، همکاری و امکان مشارکت بر اجرای سیاست‌ها اثر می‌گذارند. از این رو، کیفیت حکومت را نمی‌توان فقط به فضیلت فردی یا فقط به متن قانون نسبت داد. [۸]

برای ایران آینده، این پیوند حیاتی است. ما به آموزش شهروندی نیاز داریم و هم‌زمان به انتخاب‌های آزاد، قوه قضاییه مستقل، رسانه‌های قابل نقد و سازمان‌هایی که حساب پس بدهند. شخصیت مسئول باید در محیطی عمل کند که مسئولیت را تشویق می‌کند؛ نه در ساختاری که پنهان‌کاری و تبعیت بی‌پرسش را پاداش می‌دهد.

۲۰. آفت‌های این فلسفه و نسبت آن با آینده

پوپولیسم، قهرمان‌پرستی، وعده راه‌حل فوری، نفرت‌ورزی و حذف دیگری با این فلسفه ناسازگارند. هر جریان، از جمله جریان مورد حمایت من، می‌تواند گرفتار آنها شود. معیار نقد باید برای خودی و غیرخودی یکسان باشد.

پادشاهی پارلمانی و جمهوری دموکراتیک، هر دو به پاسخ‌گویی و فرهنگ مشارکت نیاز دارند. ترجیح من، پادشاهی پارلمانی است؛ اما آزادی و حق انتخاب مردم را به نتیجه مطلوب خود مشروط نمی‌کنم. برای عبور از چرخه حذف، باید امکان پیروزی و شکست در رقابت مشروع را بپذیریم.

فلسفه هزاران چرچیل، دعوت به بلوغ است: آرمان داشتن، سنجیدن واقعیت، محدود کردن قدرت و پذیرفتن مسئولیت. هدف، نسلی است که در پیروزی شیفته اختیار نامحدود نشود و در بحران حقوق شهروندان را فراموش نکند؛ نسلی که آینده را با خرد، همکاری و نهادهای قابل اصلاح بسازد.

سیاست هزاران چرچیل

پادشاهی پارلمانی و معماری پاسخ‌گویی

۲۱. پادشاهی پارلمانی به‌عنوان یک انتخاب سیاسی

ایران آینده به نظامی نیاز دارد که قدرت را محدود، اداره کشور را ممکن و حق تغییر حکومت را محفوظ کند. من پادشاهی پارلمانی را برای ترکیب تداوم ملی با دولت منتخب مناسب می‌دانم. این موضع، ترجیح سیاسی و نهادی من است؛ ادعایی نیست که یک شکل حکومت در هر کشور و هر شرایطی، خودبه‌خود از همه شکل‌های دیگر موفق‌تر باشد.

در این الگو، پادشاه می‌تواند نماد وحدت ملی و تداوم تاریخی باشد، در حالی که اداره اجرایی کشور به دولت پاسخ‌گو در برابر پارلمان سپرده می‌شود. نمونه بریتانیا، میان جایگاه رئیس کشور و تصمیم‌گیری اجرایی تمایز می‌گذارد؛ البته جزئیات اختیارات و قواعد هر کشور از قانون اساسی و ترتیبات تاریخی آن ناشی می‌شود. طراحی آینده ایران باید بر نیازها و انتخاب مردم ایران استوار باشد. [۹]

تاج، اگر قرار است فراجناحی باشد، نباید ابزار پیروزی دائمی یک حزب شود. دولت‌ها باید بتوانند تغییر کنند و شهروندان باید حق داشته باشند درباره عملکرد حکومت و حتی ترتیبات قانون اساسی بحث کنند. ارزش تداوم نمادین زمانی روشن می‌شود که با آزادی رقابت و پاسخ‌گویی اجرایی همراه باشد.

۲۲. جایگاه پادشاه و روشن بودن حدود اختیار

در پیشنهاد این کتاب، پادشاه مسئول اداره روزمره وزارتخانه‌ها، تعیین سیاست اقتصادی یا رقابت حزبی نیست. او در مقام نماد ملی، باید در چارچوب قانون اساسی و قواعد روشن عمل کند. هر وظیفه رسمی، از انتصاب نخست‌وزیر تا توشیح قوانین، نیازمند ترتیبات مشخصی است که مانع تبدیل تشریفات یا اختیارات استثنایی به حکومت شخصی شوند.

نقش وحدت‌بخش، به پذیرش عمومی و رفتار متناسب وابسته است. نمی‌توان آن را صرفاً با عنوان یک مقام تضمین کرد. رعایت بی‌طرفی حزبی، شفافیت مالی و احترام به نهادهای منتخب، از الزامات پیشنهادی من برای حفظ اعتماد به این جایگاه‌اند. شأن نمادین نباید ابهام درباره حدود مسئولیت ایجاد کند.

برای جلوگیری از بحران، باید پیشاپیش روشن باشد که در اختلاف میان دولت و پارلمان، چه مرجعی و بر پایه چه قاعده‌ای تصمیم می‌گیرد. قانون اساسی نباید همه مسائل دشوار را به حسن نیت اشخاص واگذار کند. قواعد روشن، هم از مقام ملی حفاظت می‌کنند و هم حقوق مردم را در برابر سوءاستفاده از قدرت محفوظ نگه می‌دارند.

۲۳. پارلمان، دولت و مسئولیت اجرایی

پارلمان باید از انتخاباتی آزاد و رقابتی برخیزد و وظیفه قانون‌گذاری، بررسی بودجه و نظارت بر دولت را انجام دهد. در نظام پارلمانی، دولت معمولاً به حمایت یا اعتماد پارلمان وابسته است و نخست‌وزیر و کابینه مسئول اجرای سیاست‌ها هستند. نماینده منتخب نباید فقط سخنگوی جناح خود باشد؛ باید بتواند درباره هزینه، امکان اجرا و پیامدهای تصمیم نیز پرسش کند.

دولت پاسخ‌گو، دولتی است که برنامه، مسئولیت و عملکردش قابل بررسی باشد. وزیر باید دربارهٔ تصمیم خود توضیح دهد؛ دستگاه اداری باید اطلاعات معتبر فراهم کند؛ و سازوکارهای قانونی باید امکان اصلاح یا تغییر دولت را بدهند. سیاستمدار مسئول، ناکامی را همواره به دشمن یا دولت پیشین نسبت نمی‌دهد، بلکه سهم اختیار و مسئولیت خود را نیز روشن می‌کند.

برای نسل «هزاران چرچیل»، سیاست فقط سخنرانی و اعلام موضع نیست. شناخت روند قانون‌گذاری، خواندن بودجه، بررسی گزارش‌ها و ادارهٔ جلسه نیز بخشی از توان سیاسی است. نهاد منتخب بدون مهارت و وقت کافی برای نظارت، ممکن است به تصویب‌کنندهٔ تصمیم‌های آماده تبدیل شود. تربیت سیاسی باید این کار کمتر دیده‌شده را جدی بگیرد.

۲۴. تفکیک و توازن قوا در نظام پارلمانی

باید میان تفکیک وظایف و جدایی کامل نهادها تفاوت گذاشت. در نظام پارلمانی، دولت و پارلمان به‌طور کامل از یکدیگر جدا نیستند؛ دولت از حمایت پارلمانی برخوردار می‌شود و اعضای آن ممکن است نمایندهٔ پارلمان نیز باشند. گزارش مجلس عوام بریتانیا، این پیوند و هم‌زمان ضرورت مهار و توازن قدرت را توضیح می‌دهد. بنابراین، توصیف پادشاهی پارلمانی با «جدایی کامل سه قوه» دقیق نیست. [۱۰]

آنچه برای ایران آینده اهمیت دارد، جلوگیری از تمرکز بی‌مهار قدرت است: نظارت واقعی پارلمان بر دولت، استقلال قضایی، امکان رسیدگی قانونی به تصمیم‌های اجرایی و نهادهای مستقل حسابرسی. هیچ اکثریتی نباید بتواند صرفاً با اتکا به پیروزی انتخاباتی، حق مشارکت آیندهٔ دیگران را از بین ببرد.

استقلال قوهٔ قضاییه نیز به معنای مصونیت قضات از مسئولیت نیست. شیوهٔ انتصاب، تضمین استقلال، رسیدگی به تخلف و دسترسی مردم به دادگاه باید روشن باشد. عدالت زمانی اعتماد ایجاد می‌کند که افراد بتوانند بدون امتیاز سیاسی یا اقتصادی از حقوق خود دفاع کنند.

۲۵. حاکمیت قانون و برابری شهروندان

حاکمیت قانون ایجاد می‌کند که قدرت عمومی در چارچوب قواعد اعلام‌شده و قابل نظارت عمل کند. در الگوی مطلوب من، هیچ مقام، نهاد نظامی، حزب یا بنگاه اقتصادی نباید از مسئولیت قانونی مستثنا باشد. قانون نیز باید با حقوق بنیادی سازگار و راه‌های اعتراض و اصلاح آن محفوظ باشد؛ صرف وجود یک متن قانونی، عدالت آن را ثابت نمی‌کند.

حق مشارکت و رأی مردم در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. آزادی بیان، برابری، دادرسی منصفانه و مشارکت، برای نظام آینده باید در کنار یکدیگر دیده شوند. این حقوق به نتیجهٔ دلخواه یک جناح وابسته نیستند؛ شهروندان منتقد نیز باید از آنها برخوردار باشند. [۱۱]

دفاع از تمامیت ارضی، با احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت محلی سازگار است. دربارهٔ تمرکز یا واگذاری مسئولیت‌های اداری می‌توان گفت‌وگو کرد، بدون آنکه همهٔ پیشنهادها به تهدید امنیتی تبدیل شوند. تشخیص جرم و تهدید باید به شواهد و فرایند قانونی متکی باشد، نه به برچسب‌های رسانه‌ای.

۲۶. نقش مردم و جامعهٔ مدنی

مردم فقط در روز انتخابات شهروند نیستند. نظارت بر بودجه، فعالیت در انجمن‌های حرفه‌ای، رسانه‌ها، تشکلهای مدنی و مشارکت محلی نیز بخشی از زندگی دموکراتیک است. جامعهٔ مدنی می‌تواند مسئله‌ها را

روشن کند، اطلاعات فراهم آورد و میان نیازهای مردم و تصمیم‌های عمومی پیوند برقرار سازد. در این چارچوب، تشکل سیاسی مسئول باید خود نیز پاسخ‌گو باشد. نحوه انتخاب مسئولان، تأمین مالی و اتخاذ تصمیم باید برای اعضا قابل فهم باشد. نمی‌توان برای کشور شفافیت خواست، اما در سازمان خود از بیان حدود اختیار یا ثبت تصمیم پرهیز کرد. شیوه کار امروز، بخشی از ظرفیت اداره فرداست. اختلاف سیاسی باید به رقابت بر سر برنامه‌ها تبدیل شود. جریان‌های چپ، راست، جمهوری خواه و پادشاهی خواه می‌توانند در چارچوب حقوق برابر و رقابت آزاد فعالیت کنند. خشونت، تبعیض و نقض حقوق باید بر پایه رفتار مشخص بررسی شوند؛ تعلق به یک خانواده فکری به‌تنهایی دلیل حذف از زندگی عمومی نیست.

۲۷. رهبری گذار و محدودیت دوران موقت

حمایت من از نقش شاهزاده رضا پهلوی در گذار، با این انتظار همراه است که هدف دوران موقت، رسیدن به حاکمیت انتخابی و قانون اساسی مشروع باشد. هر ترتیبی برای اداره گذار، به حدود اختیار، نظارت، زمان‌بندی قابل بازبینی و امکان مشارکت نیروهای دموکراتیک نیاز دارد. اضطرار نباید به وضعیتی دائمی و نامحدود تبدیل شود.

اصل مهم آن است که خدمات عمومی و امنیت شهروندان در کنار باز شدن فضای سیاسی حفظ شوند. بازسازی اعتماد و رسیدگی به نقض حقوق، باید از راه قواعد روشن و فرایند منصفانه دنبال شود. انتقام جمعی و نسبت دادن مسئولیت فردی به همه اعضای یک گروه، با آینده قانون‌محور سازگار نیست.

پادشاهی پارلمانی برای من، انتخابی برای آینده است؛ آینده‌ای که در آن قدرت اجرایی قابل تغییر، مقام ملی محدود به قانون و شهروندان صاحب حق باشند. «هزاران چرچیل» باید بتوانند از این قواعد دفاع کنند، حتی زمانی که اجرای آنها به سود رقیب سیاسی تمام می‌شود. همین آزمون، فاصله میان وفاداری شعاری و تعهد دموکراتیک را روشن می‌کند.

اقتصاد هزاران چرچیل

آزادی اقتصادی، عدالت و دولت کارآمد

۲۸. چرا اقتصاد، بخشی از ثبات ملی است؟

ایران آینده برای رسیدن به شکوفایی، به تغییر در شیوه اداره اقتصاد نیز نیاز دارد. امنیت شغل، امکان برنامه‌ریزی، اعتماد به قرارداد و دسترسی به خدمات عمومی، بخش مهمی از زندگی شهروندان است. نظام سیاسی که نتواند درباره این نیازها پاسخ دهد، با فرسایش اعتماد روبه‌رو می‌شود. با این حال، رابطه اقتصاد و ثبات سیاسی ساده و یک‌علتی نیست؛ کیفیت نهادها، سیاست و توزیع فرصت نیز اهمیت دارند.

ثبات اقتصادی را نباید فقط با چند عدد یا رشد درآمد گروهی محدود سنجید. برای شهروند، پرسش این است که آیا می‌تواند برای زندگی خود افق قابل فهمی داشته باشد؛ آیا قانون با او منصفانه رفتار می‌کند؛ و آیا فرصت پیشرفت به ارتباط سیاسی وابسته است. برای دولت، مسئولیت آن است که درباره هزینه و نتیجه سیاست‌ها شفاف سخن بگوید.

هدف این فصل، ارائه یک برنامه اقتصادی کامل برای ایران نیست. چارچوبی است برای تربیت نسلی که اقتصاد را با داده، بودجه، تولید، بهره‌وری و عدالت نهادی بفهمد. بدون اطلاعات معتبر و بررسی گزینه‌ها، نمی‌توان درباره سیاست مناسب در هر مرحله حکم قطعی داد. آنچه می‌توان از امروز تمرین کرد، انضباط در پرسش و پرهیز از وعده‌های بی‌پشتوانه است.

۲۹. معنای اقتصاد آزاد در چارچوب دموکراتیک

در این کتاب، «اقتصاد لیبرال دموکراتیک» نامی برای ترکیب آزادی اقتصادی با حاکمیت قانون، رقابت، پاسخ‌گویی و حمایت اجتماعی است؛ اصطلاحی برای یک نسخه واحد و بی‌اختلاف در علم اقتصاد نیست. مالکیت خصوصی و کارآفرینی در این چارچوب محترم‌اند، اما بازار و دولت هر دو باید تابع قانون باشند. آزادی قرارداد، مجوز انحصار، فساد یا نقض حقوق کارگران نیست.

دولت باید از قواعد رقابت، زیرساخت‌ها، خدمات عمومی و حقوق شهروندان پاسداری کند. در برخی حوزه‌ها تنظیم‌گری و در برخی حوزه‌ها تأمین یا اجرای مستقیم خدمت لازم می‌شود. اندازه مطلوب دولت را نمی‌توان بدون بررسی وظایف، ظرفیت‌ها و نیازهای جامعه تعیین کرد. «کوچک بودن» به‌تنهایی نشانه کارآمدی نیست؛ همان‌گونه که بزرگی دستگاه اداری، کیفیت خدمت را تضمین نمی‌کند.

توصیه‌ها و ابزارهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی درباره بی‌طرفی رقابتی، بر فراهم کردن شرایط منصفانه برای بنگاه‌ها، فارغ از نوع مالکیت و شکل حقوقی آنها تأکید می‌کنند. این اصل، توجه ما را از شعار مالکیت به قواعد واقعی رقابت می‌برد: آیا امتیاز، یارانه یا مقررات به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که رقابت را بی‌دلیل محدود کنند؟ [۱۲]

از این منظر، بازار سالم به داوری حقوقی، اطلاعات شفاف و امکان ورود بنگاه‌های تازه نیاز دارد. دولت نیز نباید از قدرت خود برای اعطای امتیاز به وابستگان سیاسی استفاده کند. دفاع از آزادی اقتصادی، زمانی کامل است که با دفاع از رقابت، حق اعتراض و پاسخ‌گویی مالی همراه شود.

۳۰. چرا این بحث برای ایران اهمیت دارد؟

در بحث آینده ایران، باید درباره رانت، انحصار، نقش بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی، ارتباط با جهان و امنیت حقوقی گفت‌وگو کرد. این مسائل را نمی‌توان با نفی کلی دولت یا تقدیس کلی بازار حل کرد. پرسش دقیق‌تر آن است که کدام ساختار، تولید و نوآوری را تشویق می‌کند و کدام ساختار، امتیاز سیاسی را به جای رقابت می‌نشانند.

من اقتصادی باز، رقابتی و قانون‌محور را برای ایران مطلوب می‌دانم؛ اقتصادی که به سرمایه‌گذار امنیت حقوقی، به کارگر حمایت قانونی و به شهروند فرصت رشد بدهد. این ترجیح باید با برنامه عملی، داده و ارزیابی پیامدها همراه شود. منابع طبیعی یا ظرفیت انسانی، به‌خودی‌خود رفاه پایدار ایجاد نمی‌کنند؛ شیوه استفاده و اداره آنها نیز تعیین‌کننده است.

هر پیشنهاد اصلاحی باید بتواند به چند پرسش پاسخ دهد: چه مسئله‌ای را حل می‌کند؟ هزینه آن را چه کسانی می‌پردازند؟ چگونه اجرا می‌شود؟ و با چه اطلاعاتی نتیجه آن بررسی خواهد شد؟ بدون این پاسخ‌ها، حتی سیاستی با عنوان جذاب ممکن است به انتقال رانت یا ایجاد هزینه تازه تبدیل شود.

۳۱. پادشاهی پارلمانی و پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی

پادشاهی پارلمانی می‌تواند در طراحی مطلوب من، تداوم نماد ملی را با امکان تغییر دولت جمع کند. اما سرمایه‌گذاری و رشد، از عنوان حکومت به‌تنهایی ناشی نمی‌شوند. احترام به قرارداد، کیفیت مقررات، استقلال دادگاه، پاسخ‌گویی دولت و ثبات قابل اعتماد قواعد، در جمهوری‌های دموکراتیک نیز قابل تحقق‌اند.

بنابراین، رابطه تاج و اقتصاد باید به‌دقت تعریف شود. پادشاه در الگوی پیشنهادی این کتاب، مدیر اقتصاد، صاحب امتیاز تجاری یا تصمیم‌گیر روزمره بودجه نیست. سیاست اقتصادی به دولت منتخب و نظارت پارلمان مربوط است. شفافیت دارایی و جلوگیری از تعارض منافع، برای هر مقام و نهاد دارای نفوذ اهمیت دارد.

پیش‌بینی‌پذیری به معنای ممنوع کردن اصلاح نیست. کشور باید بتواند قانون و سیاست خود را تغییر دهد، اما این تغییرها باید از راه فرایند روشن، اطلاع‌رسانی و سنجش پیامد انجام شوند. اعتماد زمانی تقویت می‌شود که فعال اقتصادی و شهروند بدانند تصمیم‌ها چگونه اتخاذ می‌شوند و چه راهی برای اعتراض یا بررسی وجود دارد.

۳۲. موانع اقتصاد رقابتی و خطر خصوصی‌سازی رانتی

موانع اقتصاد رقابتی را باید بر پایه رفتار و ساختار شناخت: انحصار، تبانی، فساد، امتیاز ویژه، قراردادهای غیرشفاف و مانع‌تراشی برای ورود رقیب. انتساب این موانع به همه اعضای یک جریان چپ یا راست، تحلیل را تضعیف می‌کند. می‌توان درباره مالیات، مالکیت و حمایت اجتماعی اختلاف داشت و همچنان به رقابت منصفانه و حاکمیت قانون متعهد بود.

خصوصی‌سازی، اگر بدون شفافیت، ارزش‌گذاری معتبر و نظارت انجام شود، ممکن است فقط مالکیت را به شبکه‌ای تازه از وابستگان منتقل کند. در چنین حالتی، عنوان «خصوصی» به‌تنهایی مسئله رانت را حل نمی‌کند. معیار باید این باشد که آیا بهره‌وری، رقابت، کیفیت خدمت و پاسخ‌گویی بهتر شده‌اند یا خیر.

نسل هزاران چرچیل باید بتواند از اصلاح اقتصادی دفاع کند و هم‌زمان پرسش‌های دشوار درباره آن بپرسد. شفافیت مناقصه، اعلام تعارض منافع، امکان حسابرسی و حق دسترسی به اطلاعات، ابزارهای مهم این نظارت‌اند. حمایت از کارآفرینی، با مصونیت دادن به صاحبان ثروت یا قدرت تفاوت دارد.

۳۳. پول سالم و بانک مرکزی مستقل و پاسخگو

تورم بالا و پیش‌بینی‌ناپذیر، برنامه‌ریزی خانوار و بنگاه را دشوار می‌کند. توجه به ثبات قیمت‌ها، انضباط مالی و کیفیت نظام بانکی باید بخشی از هر برنامه‌بازسازی باشد. استقلال بانک مرکزی، در صورت وجود مأموریت روشن و پشتوانه نهادی، می‌تواند از فشار سیاسی کوتاه‌مدت بر سیاست پولی بکاهد؛ اما به‌تنهایی درمان همه منشأهای تورم نیست.

صندوق بین‌المللی پول، در بررسی‌های خود بر ارتباط استقلال بانک مرکزی با مهار انتظارات تورمی و نتایج بهتر تورم تأکید کرده و حمایت سیاسی، سیاست مالی محتاطانه، شفافیت و پاسخ‌گویی را نیز مهم دانسته است. برای ایران، برداشت عملی آن است که استقلال باید با حدود اختیار و مسئولیت روشن همراه شود، نه اینکه بانک مرکزی نهادی مصون از پرسش عمومی باشد. [۱۳]

بحث پول و بودجه به داده معتبر نیاز دارد. چاپ پول، بدهی، کسری بودجه، نرخ ارز و وضعیت ترازنامه بانک‌ها را نمی‌توان جدا از یکدیگر بررسی کرد. تصمیم مسئولانه، هزینه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را آشکار می‌کند و از وعده مهار فوری مشکلات پیچیده پرهیز دارد.

۳۴. بودجه شفاف و امنیت حقوقی

بودجه باید نشان دهد منابع عمومی از کجا می‌آیند و چگونه هزینه می‌شوند. هر نهادی که از منابع عمومی استفاده می‌کند، باید مطابق قواعد مشخص حساب پس بدهد. شفافیت صرفاً انتشار یک جدول طولانی نیست؛ اطلاعات باید قابل فهم، قابل مقایسه و قابل بررسی باشند. بدون حسابرسی و امکان پیگیری، انتشار عدد به‌تنهایی کافی نیست.

امنیت حقوقی برای سرمایه‌گذاری نیز مستلزم احترام به قرارداد، رسیدگی منصفانه و جلوگیری از مصادره یا امتیازدهی سلیقه‌ای است. این امنیت، فقط حق سرمایه‌گذار نیست. کارگر، مصرف‌کننده و شهروند نیز باید بتوانند قرارداد و حقوق خود را پیگیری کنند. نظم حقوقی زمانی قابل اعتماد است که برای افراد نیرومند و کم‌قدرت به یک شکل عمل کند.

در پیشنهاد این کتاب، نهادهای اقتصادی باید بتوانند عملکرد خود را با معیارهای اعلام‌شده توضیح دهند. کاهش هزینه یک دستگاه، اگر به افت شدید کیفیت خدمت منجر شود، به‌خودی‌خود موفقیت نیست. ارزیابی باید هزینه و نتیجه را کنار یکدیگر ببیند و از عدس‌سازی برای اثبات یک تصمیم از پیش گرفته‌شده دور بماند.

۳۵. اصلاح انرژی، صنعت و تجارت با توجه به مردم

اصلاح یارانه‌ها، بازسازی صنعت و گسترش تجارت، ممکن است فرصت ایجاد کند و هم‌زمان هزینه‌هایی برای خانوارها و بنگاه‌ها داشته باشد. ترتیب اجرا، اطلاع‌رسانی و ظرفیت‌آداری اهمیت دارند. نمی‌توان بدون بررسی وضعیت، درباره سرعت مناسب اصلاح حکم همیشگی داد؛ اما باید کسانی را که آسیب بیشتری می‌بینند، پیش از اجرای تصمیم شناخت.

مطالعات صندوق بین‌المللی پول درباره اصلاح یارانه انرژی، آثار بودجه‌ای، توزیعی و زیست‌محیطی را بررسی کرده‌اند و بر طراحی اصلاح و جبران آثار آن بر گروه‌های آسیب‌پذیر تأکید دارند. در برداشت پیشنهادی این کتاب، حمایت باید قابل دسترسی و عملی باشد؛ وعده مبهم جبران، جای سازوکار آماده را نمی‌گیرد. [۱۴]

آزادسازی تجارت و پیوند با اقتصاد جهانی نیز به ظرفیت تولید، مقررات، زیرساخت و سازوکار حل اختلاف نیاز دارد. سیاست اقتصادی مسئولانه، نه انزوا را فضیلت می‌داند و نه هر نوع گشودگی را بدون سنجش پیامد

مطلوب می‌شمارد. هدف، افزایش فرصت و توان کشور در چارچوب منافع ملی و حقوق شهروندان است.

۳۶. آموزش، مهارت و عدالت اجتماعی

اقتصاد آینده به آموزش باکیفیت، مهارت و امکان یادگیری مداوم نیاز دارد. مدرسه و دانشگاه باید هم توان اندیشیدن مستقل را تقویت کنند و هم راه ورود به فعالیت حرفه‌ای و اقتصادی را بگشایند. آموزش فنی، پژوهش و کارآفرینی نباید به جای یکدیگر بنشینند؛ هرکدام بخشی از ظرفیت کشور را می‌سازند.

عدالت اجتماعی را نیز نمی‌توان فقط به برابری صوری فرصت‌ها تقلیل داد. کودکانی که از آموزش، تغذیه یا سلامت مناسب محروم‌اند، از نقطهٔ برابر آغاز نمی‌کنند. در چارچوب مطلوب من، رشد اقتصادی باید با دسترسی به خدمات پایه، حمایت در برابر آسیب‌های شدید و کاهش تبعیض همراه باشد. بحث دربارهٔ ابزار این حمایت‌ها، بخشی از رقابت مشروع سیاست‌گذاری است.

حمایت اجتماعی باید کرامت را حفظ کند و تا حد امکان قابل پیش‌بینی باشد. معیار آن، وفاداری سیاسی دریافت‌کننده نیست. کمک به فرد آسیب‌پذیر را نباید به ابزار اطاعت تبدیل کرد. در مقابل، برنامه‌های حمایتی نیز به تأمین مالی روشن و ارزیابی نیاز دارند تا بتوانند پایدار بمانند و به هدف خود برسند.

۳۷. اقتصاد ملی و سیاست خارجی

تجارت، حمل‌ونقل، بانکداری، بیمه و انتقال فناوری، از محیط روابط خارجی تأثیر می‌پذیرند. برای من، سیاست خارجی مطلوب ایران باید غیرایدئولوژیک، صلح‌محور و بر پایهٔ منافع ملی باشد. تعامل با جهان، به معنای کنار گذاشتن استقلال نیست؛ استقلال نیز نباید با قطع رابطه و بی‌اعتنایی به منافع متقابل اشتباه شود. اقتدار اقتصادی با قابلیت اعتماد تقویت می‌شود. کشوری که قرارداد، قواعد روشن و همکاری پایدار ارائه می‌دهد، زمینهٔ بیشتری برای برنامه‌ریزی فراهم می‌کند. با این حال، منافع شرکای خارجی همیشه با منافع ایران یکسان نیستند؛ مذاکره و تنوع‌بخشی روابط باید با شناخت این تفاوت‌ها همراه باشد. واقع‌بینی، هم فرصت را می‌بیند و هم محدودیت را.

۳۸. چرچیلی اندیشیدن در اقتصاد

چرچیلی اندیشیدن در اقتصاد یعنی تحمل کار دشوارِ بررسی واقعیت: خواندن اعداد، شناخت فرض‌ها، توضیح هزینه‌ها و پذیرش نتیجه‌ای که با ترجیح اولیهٔ ما سازگار نیست. محبوبیت یا دشواری یک تصمیم، درستی آن را ثابت نمی‌کند؛ هر سیاست باید از آزمون دلیل و پیامد عبور کند.

ایران آینده به مدیران، قانون‌گذاران، روزنامه‌نگاران، معلمان، کارآفرینان و شهروندانی نیاز دارد که ثروت عمومی را با تولید، اعتماد و خدمت پیوند دهند. تشخیص مسئله، مقایسهٔ راه‌حل‌ها و نظارت بر اجرا، وظیفهٔ آنان است. اقتصاد، میدان یادگیری و اصلاح است، نه صرفاً اعلام وفاداری به یک مکتب یا شعار.

اقتصاد هزاران چرچیل برای من، آزادی در چارچوب قانون، رقابت همراه با انصاف و رشد همراه با مسئولیت است. پادشاهی پارلمانی مطلوب من نیز باید با همین معیارها سنجیده شود. نام نظام، جای کیفیت حکومت را نمی‌گیرد؛ کیفیتی که بدون زندگی شایسته و حق مشارکت مردم کامل نمی‌شود.

پاسخ من به پرسش آغاز کتاب، تربیت شهروندان مسئول در کنار ساختن نهادهای پاسخ‌گو است؛ راهی برای ایران آزاد، آباد و باثبات که با خرد، انضباط، همکاری و احترام به کرامت مردم ادامه می‌یابد.

منابع و مآخذ

شماره منابع با ارجاع‌های متن یکسان است. عنوان‌ها و نشانی‌های لاتین با جهت مستقل نمایش داده می‌شوند. تاریخ بررسی پیوندهای آنلاین: ۷ اکتبر ۲۰۲۶.

۱. تشکیل دولت ائتلافی و همکاری احزاب در بحران

UK Parliament. Churchill W. His Majesty's Government. House of Commons Debates. 13 May 1940.

[Official source / full text](#)

۲. تاریخ معاصر ایران؛ به‌ویژه دولت‌سازی و تحولات دوران پهلوی

Abrahamian E. A History of Modern Iran. Cambridge: Cambridge University Press; 2008. Chapters 3–5.

<https://doi.org/10.1017/CBO9780511984402>

۳. چارچوب تنظیم هیجان

Gross JJ. The emerging field of emotion regulation: an integrative review. Review of General Psychology. 1998;2(3):271–299.

<https://doi.org/10.1037/1089-2680.2.3.271>

۴. خودشیفتگی جمعی و خصومت میان‌گروهی

Golec de Zavala A, Cichocka A, Eidelson R, Jayawickreme N. Collective narcissism and its social consequences. Journal of Personality and Social Psychology. 2009;97(6):1074–1096.

<https://doi.org/10.1037/a0016904>

۵. تاب‌آوری در پژوهش‌های رشد؛ با محدودیت تعمیم به سیاست

Masten AS. Ordinary magic: resilience processes in development. American Psychologist. 2001;56(3):227–238.

<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/11315249/>

۶. امنیت روان‌شناختی و یادگیری تیمی

Edmondson A. Psychological safety and learning behavior in work teams. Administrative Science Quarterly. 1999;44(2):350–383.

<https://doi.org/10.2307/2666999>

۷. اخلاق اعتقاد و اخلاق مسئولیت؛ به‌ویژه بخش پایانی

Weber M. Politics as a Vocation. First published 1919. In: Gerth HH, Mills CW, translators and editors. From Max Weber: Essays in Sociology. New York: Oxford University Press; 1946.

[Official source / full text](#)

۸. حکمرانی، توزیع قدرت و اجرای سیاست

World Bank. World Development Report 2017: Governance and the Law. Washington, DC: World Bank; 2017.

<https://doi.org/10.1596/978-1-4648-0950-7>

۹. شرح رسمی نقش پادشاهی مشروطه در بریتانیا

The Royal Household. The role of the Monarchy. Official website of the Royal Family. Accessed 7 October 2026.

<https://www.royal.uk/the-role-of-the-monarchy>

۱۰. پیوند دولت و پارلمان و توازن قوا؛ به‌ویژه بخش‌های ۱ و ۲/۱

Benwell R, Gay O. The Separation of Powers. Standard Note SN/PC/06053. London: House of Commons Library; August 2011.

<https://researchbriefings.files.parliament.uk/documents/SN06053/SN06053.pdf>

۱۱. برابری، دادرسی منصفانه، بیان و مشارکت سیاسی

United Nations. Universal Declaration of Human Rights. General Assembly Resolution 217 A (III). 10 December 1948. Articles 1, 7, 10, 19 and 21.

<https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>

۱۲. رقابت منصفانه و بررسی امتیازهای ناشی از مداخله دولت

OECD. Competitive Neutrality Toolkit: Promoting a Level Playing Field. Paris: OECD Publishing; 2024.

<https://doi.org/10.1787/3247ba44-en>

۱۳. استقلال بانک مرکزی، تورم، شفافیت و پاسخ‌گویی

International Monetary Fund. Strengthen Central Bank Independence to Protect the World Economy. IMF Blog. 21 March 2024.

[Official source / full text](#)

۱۴. طراحی اصلاح یارانه و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر

International Monetary Fund. Energy Subsidy Reform: Lessons and Implications. IMF Policy Paper. 28 January 2013.

<https://www.imf.org/-/media/external/np/pp/eng/2013/012813.pdf>